

بسمه تعالی

عنوان پژوهش

## < تاثیر ایدئولوژی بر جامعه >

درس جامعه شناسی و سیاست

استاد درس - جناب دکتر علی فرجی

گردآورنده - علی قدری

کلمات و اصطلاحات مهم :

ایدئولوژی - نظریه‌های پسمارکسی - مارکسیسم - ماتریالیسم - ایدئولوژی نظری - ایدئولوژی عملی - مسئولیت ایدئولوژیک

### مقدمه

مجموعه سامان‌مند باورها و اندیشه‌های ثابت سیاسی و اجتماعی‌ای از جمله سیستم‌های فکری، فلسفی و مذهب که فرد، گروه یا جامعه دارد و در تعیین خطمشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آن‌ها در مسائل سیاسی-اجتماعی مؤثر است.

در مطالعات اجتماعی، یک ایدئولوژی سیاسی یک مجموعه اخلاقی مشخص از ایده‌آل‌ها، اصول، دکترین‌ها، اسطوره‌ها و نمادهای یک حرکت اجتماعی، یک بنیاد، طبقه یا گروه بزرگ است که توضیح می‌دهد اجتماع چگونه باید کار کند؛ و برخی طرح‌های کلی سیاسی و فرهنگی را برای یک آرایه مشخص اجتماعی توصیه می‌دهد.

ایدئولوژی سیاسی مجموعه نظرات درباره مدیریت اجتماع انسان‌هاست. هر پیرو ایدئولوژی سیاسی برای خود طریق عملیاتی عینی طراحی شده‌ای می‌بیند که باید پیاده‌سازی و اجرایش کند. اساساً هر شخصی (حتی او که معتقد است ایدئولوژی ندارد) دارای یک خط مشی است که در برخورد با اجتماع و ری‌اکت نشان دادن‌های خود آن‌ها را ابراز می‌کند و در یک تعریف این همان ایدئولوژی است.

ایدئولوژی مفهومی بسیار بحث‌انگیز و فرّار در علوم اجتماعی است. می‌توان گفت ایدئولوژی به مجموعه‌ای از باورها و ایده‌ها گفته می‌شود که به عنوان مرجع توجیه اعمال، رفتار و انتظارات افراد عمل می‌کند.

## بدنه

بمطور دقیق‌تر، می‌توان برداشت‌های موجود از ایدئولوژی را در چهار دسته گنجانید:

۱. ایدئولوژی نوعی اندیشهٔ انحرافی کاذب و غیرواقعی است. برای مثال، «آگاهی» انسان‌ها که در جامعهٔ سرمایه‌داری سوژه شمرده می‌شوند.

این تعبیر که از نظر شناخت‌شناسی منفی است، مشخصاً از سوی مارکس و انگلس عنوان شده‌است

به بیان دیگر، بنا به این تعبیر، ایدئولوژی نوعی آگاهی کاذب و غیرواقعی است که انسانها بر اساس آن عمل می‌کنند و خود نمی‌دانند که این آگاهی دروغین است. در حقیقت آنان اینگونه می‌اندیشند که آگاهند در حالیکه آگاهی آنان توسط سرمایه‌داران به آنان به‌طور ناخودآگاه تزریق شده‌است و انسانها خود از آن بی‌خبرند.

۲. ایدئولوژی مجموعه‌ای است از ایده‌ها، نظرات، اعتقادات و نگرشها: مانند جهان‌بینی یک طبقه یا گروه اجتماعی.

این تعبیر از نظر اجتماعی نسبی است. این دیدگاه بیشتر در نظریه‌های پسامارکسی نظیر مارکسیسم هگلی گئورگ لوکاچ و نقد کارل مانهایم بر پیش‌داوری‌های ماتریالیسم تاریخی حضور دارد.

۳. ایدئولوژی یک نظام فکری کم و بیش آگاهانه‌است (ایدئولوژی نظری).

این تعبیری محدود از ایدئولوژی است که دو مورد بالا را زیر پوشش می‌گیرد. این تعبیر تا دهه ۱۹۶۰ میلادی برداشت غالب از مقوله ایدئولوژی در بحث‌های فلسفی و سیاسی بود

در این تعریف، ایدئولوژی نظامی است از باورها که قسمتی از آن به صورت آگاهانه توسط فرد انتخاب می‌شود و قسمتی از آن به صورت ناخودآگاه در اجتماع توسط فرد کسب می‌شود.

۴. ایدئولوژی رسانهٔ کمابیش ناآگاهانهٔ رفتارهای مرسوم محسوب می‌شود («ایدئولوژی عملی»).

این تعریفی میسوط است که توسط مارکس مطرح شده‌است و بعدها آنتونیو گرامشی و لویی آلتوسر آن را توسعه داده‌اند. این برداشت، از دههٔ ۶۰ به بعد مقبول‌تر بوده‌است.

این تعریف ادامه تعریف مارکسیستی از ایدئولوژی است با این تفاوت که ایدئولوژی را آگاهی کاملاً کاذب نمی‌داند بلکه قسمتی از آن را که ناآگاهانه‌است را مسئول قسمتی از عملکرد انسانها در جامعه می‌داند.

این تعبیرهای متفاوت که از ایدئولوژی شده‌است از نظر دستگاه‌های معرفت‌شناسانهٔ ایدئولوژی، شمول جامعه‌شناسانهٔ آن، کارکرد، صورت سیاسی، استلزامات ایدئولوژی، و ویژگی ذهنی-روان‌شناسانه یا عینی-اجتماعی آن با هم تفاوت دارند.

نتون ون‌دایک زبان‌شناس انتقادی برجسته هلندی تحقیقات زیادی راجع به مفهوم ایدئولوژی داشته‌است. وی معتقد است که ایدئولوژی به عنوان نظامی از باورها تعاریف گوناگونی را داشته‌است اما آنچه در تمامی این تعاریف مشترک است این است که ایدئولوژی در حافظهٔ جمعی افراد قرار می‌گیرد و در نتیجه ایدئولوژی جنبه‌ای شناختی و روانی دارد.

ایدئولوژی یک نظام ارزشی است و علوم انسانی، چنانکه صاحب‌نظران نیز تصریح کرده اند، نمی‌تواند به طور کلی از ارزشها تهی باشد. بنابراین، بدیهی است که جامعه‌شناسی در بسیاری از زمینه‌ها، نشان ایدئولوژی را با خود دارد.

## الف) نقش ایدئولوژی در تبیین

ایدئولوژی یک نظام ارزشی است و علوم انسانی، چنانکه صاحب‌نظران نیز تصریح کرده اند، نمی‌تواند به طور کلی از ارزشها تهی باشد. بنابراین، بدیهی است که جامعه‌شناسی در بسیاری از زمینه‌ها، نشان ایدئولوژی را با خود دارد. گوروچ می‌گوید: «می‌دانیم که علوم انسانی خاصه‌ای متعهد دارد و آگاهانه یا ناآگاهانه به ارزیابی می‌پردازد»

جامعه‌شناس بر اساس ایدئولوژی و با یک دیدگاه ارزشی خاص، به بررسی جامعه می‌پردازد و با آن معیار نیز برای پدیده‌ها ارزش و اعتبار قائل می‌شود و حتی بسیاری از تحقیقات جامعه‌شناسی را برای تأیید ارزشهای پذیرفته شده خویش انجام می‌دهد.

جامعه‌شناس همیشه در این مخاطره است که در خصوص واقعیتهایی که مشاهده می‌کند، دست به جانبداری بزند و داوریهایی ذهنی ویژه او، وی را بطور طبیعی به دیدن پدیده‌های اجتماعی به صورت تغییر شکل یافته و بزرگ کردن اهمیت چیزی که با اعتقادات او منطبق است و کوچک کردن اهمیت چیزی که بر خلاف آن است سوق دهد... حتی شریفت‌ترین جامعه‌شناس هرگز کاملاً در باب هیچ جامعه‌ای بیطرف نیست. اگر جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کند مورد مشاهده قرار دهد، موضوع روشن است: لزوماً هوادار یکی از نظامهای ارزشی است که در آنجا یافت می‌شود...؛ ولی اگر جامعه‌ای را که از جهت زمانی و مکانی دور است به مشاهده بگیرد در نظامهای ارزشی آن کمتر متعهد است. با اینهمه همیشه کم و بیش، آگاهانه و یا ناخودآگاه این جامعه‌خارجی را با جامعه خود مقایسه می‌کند و بر جامعه نخست اندکی از نظامهای ارزشی جامعه دوم را منعکس می‌سازد و این امر علی‌الخصوص در تهیه فرضیات الگوهای تحقیق و چهارچوبهای نظری بروز می‌کند.

ایدئولوژی و ارزشهای پذیرفته شده از طرف جامعه‌شناس، حتی در انتخاب الفاظ و تعبیری که برای تبیین پدیده‌ها به کار می‌برد مؤثر است. کلماتی از قبیل تکامل، ترقی، رشد، مدرن، وحشی، قرون وسطایی، ارتجاعی، کهنه، پوسیده و... که بویژه در برخی از کتابهای مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و مخصوصاً در نوشته‌های نویسندگان متمایل به مارکسیسم، بسیار به چشم می‌خورد، گواه این امر است.

## ب) نقش ایدئولوژی در ایجاد انگیزه و انتخاب موضوع

ایدئولوژی در ایجاد انگیزه برای تحقیق و انتخاب موضوع نیز نقش مهمی دارد. هر چند غریزه کنجکاوی، انسان را به تحقیق وادار می‌دارد؛ ولی عوامل مختلف دیگر - از جمله ایدئولوژی - نیز در این امر مؤثر بوده، شدت و ضعف و جهت و مسیر تحقیق انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حتی می‌توان گفت که بیشتر اوقات؛ ایدئولوژی نقش اساسی را به عهده می‌گیرد. بر این اساس پژوهشگری که، علاوه بر حس کنجکاوی، تحقیق در موضوع خاصی را به عنوان «مسئولیت ایدئولوژیک» خود می‌پذیرد و محقق که بررسی آن موضوع را خلاف «مسئولیت ایدئولوژیک» خود می‌پندارد، یکسان و به یک نحو به پدیده مورد نظر نمی‌نگرند و به هنگام تحقیق یا انتخاب یک موضوع از موضوعات مختلف، دارای انگیزه‌ها و انتخابهای همگون نیستند و در نتیجه پژوهشگر نخست، تا آخرین حد ممکن به بررسی دقیق و کامل آن پدیده می‌پردازد ولی محقق دوم اگر آن را فراموش نکند، دست کم با یک نظر سطحی، تحقیق خود را به پایان می‌رساند. بدیهی است که در بررسی پدیده‌های اجتماعی - که جدا از ارزش نیستند - این امر تا حد بسیاری نتیجه تحقیقات را دگرگون می‌کند.

تئودور کاپلو می‌گوید: «انسان‌ها معمولاً به طور طبیعی گرایش به سوی آن دسته از فعالیت‌های علمی دارند که پاسخگوی نیازشان باشد. این کاملاً درست است که انتخاب موضوع تحقیق با ارزشهای مورد نظر محقق ارتباط دارد.

## ج) نقش ایدئولوژی در ارائه راه حلها

هر انسانی بر اساس ایدئولوژی خاصی که پذیرفته، یک سلسله «باید» ها و «نباید» ها را باور دارد. این بایدها و نبایدها از یکسو، در ارائه راه حل - راه حلی که معمولاً متضمن استدلال و تبیین است - به طور مستقیم (آگاهانه یا ناآگاهانه) اثر می‌گذارد. به عنوان مثال، هنگامی که نظریه مالتوس ازدیاد بیش از حد جمعیت را پیش بینی می‌کند، راه‌حلهای مختلفی وجود دارد که هر محقق بر اساس باورهای ارزشی خود یکی را پیشنهاد می‌کند. مثلاً محقق که به بینشها و ارزشهای اسلامی اعتقاد دارد، در اثر اعتقاد به حرمت قتل نفس و سقط جنین و مطلوب بودن کثرت جمعیت جامعه اسلامی و نیز اعتقاد به اینکه خداوند کلیه نیازمندیهای انسان را تأمین کرده و در طبیعت تعبیه نموده است، دیدگاه مالتوس و راه‌حلهای مشابه آن را نمی‌پذیرد؛ از سوی دیگر کلیه بایدها و نبایدهای حقیقی متضمن قوانین تکوینی بوده، بیانگر روابط مثبت یا منفی عینی هستند و در واقع مجموعه‌ای از «هست» ها را در قالب «باید» ها و «نباید» ها بیان شده و تنظیم‌کننده رفتار انسانند، به نمایش می‌گذارد.

بر دو مطلب فوق، باید این مطلب نیز اضافه شود که در بعد نظری و در مسیر کشف قوانین اجتماعی، ایدئولوژی‌ها می‌توانند عدم استفاده از برخی شیوه‌های تحقیق را توصیه کنند، یا محقق را به استفاده از برخی شیوه‌ها و روشها تشویق کنند. مثلاً در مورد نخست، ایدئولوژی اسلام تحقیق با شیوه‌های غیر واقع و غیر یقینی نظیر پیروی از گمان، به کارگیری روش تمثیل و تقلید از بزرگان و نیاکان را معتبر ندانسته است. در مورد دوم نیز تشویق و ترغیب به استفاده از منبع وحی (آیات و روایات)، و روش عقلی و تجربی، که در اسلام بر آن تأکید شده، نمونه روشنی است.

## نتیجه

موضوع جلوگیری از افزایش جمعیت که در بسیاری از جوامع و از جمله اخیراً در جمهوری اسلامی ایران مطرح است، منافاتی با مطلب فوق ندارد؛ چه آنکه مشکلات کنونی افزایش جمعیت معلول توزیع غیر عادلانه ثروت و عدم بهره برداری صحیح از منابع در سطح جهان است که با بهره برداری صحیح و توزیع عادلانه زمینه طرح نخواهد داشت. به علاوه بحث ما در تأثیر بینش کلی محقق است و محل اختلاف بودن مسأله اصل موضوع را خدشه دار نمی کند.

باید توجه داشت که گر چه آنچه گفته شد نتیجه کاربرد جامعه شناسی است؛ اما از آنجا که این راه حلها می تواند نتیجه آن تبیینات باشد، ما نیز آن را به عنوان موضوعی جامعه شناختی مطرح کرده ایم. علاوه بر آن؛ اینگونه راه حلها معمولاً در کتابهای جامعه شناسی مطرح می شود و عملاً جامعه شناسان به آن می پردازند. به هر حال، موضوع «تعهد و جامعه شناسی» از زمره موضوعاتی است که هنوز در بین جامعه شناسان قابل بحث و گفتگوست و بسیاری از جامعه شناسان به متعهد بودن علوم، از جمله جامعه شناسی، معتقدند.

منابع و مأخذ :

مدخل ایدئولوژی، از گریگوری الیوت

فرهنگ اندیشه انتقادی

از روشنگری تا پسمدرنیته

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

با سپاس فراوان